

نگرانی‌ها از بروز خشونت در امریکا جدی است

انگشت بر ماشه در شامگاه انتخابات نوامبر



■سیدنعمت‌الله عبداللہ حیمزہ اده

جاد ولف سرپرست موقت وزارت امنیت داخلی امریکا در ۲۴ سپتامبر، در جلسه استماع مجلس سنا مدعی شد امریکا «با تهدید ذخالت روسیه، چین و ایران در انتخابات روبه‌رو است»، هر چند که تأیید کرد در حال حاضر هیچ سند و اطلاعاتی ندارد که ثابت کند ایران و چین در این زمینه حمله‌ای انجام داده باشند. بااین حال، ادعای این مقام ارشد امنیتی امریکا تأثیر خودش را گذاشت تا توئیتر روزاول اکتبر اعلام کند که ۱۲۰ حساب کاربری مرتبط به ایران را مسدود می‌کند. وزیر خارجه روسیه سرگئی لاوروف با لحنی طعنه‌آمیز در این مورد گفت امریکایی‌ها در حال انجام این بازی هستند که چه کسی بیشتر مداخله می‌کند: «روسیه، چین یا ایران؟». شکی نیست که این حرف‌ند تبلیغاتی واشنگتن است تا بتواند از آن برای حمله به رقبای خود استفاده کند اما باید گفت نگرانی اصلی در داخل امریکاست و اینکه آیا انتخابات سوم نوامبر به خشونت کشیده می‌شود یا نه؟

■زنگ خطر

منابع خبری بامداد روز جمعه ۹ اکتبر به نقل از دادستان ایالت میشیگان گزارش دادند که FBI توانسته توطئه‌ای را با استفاده از منابع اطلاعاتی، مأموران نفوذی و شنود گفت‌وگوهای متهمان کشف و ختمی کند. هفت نفر از گروه شبه‌نظامی «ولورین واچمن» در جریان این اقدام FBI دستگیر شده‌اند و گفته می‌شود اتهام آنها یافتن آدرس مأموران پلیس برای حمله به آنها و راه‌اندازی جنگ داخلی در این ایالت بوده تا از این طریق، حکومت فرماندار دموکرات میشیگان خاتم گرچ ویتمر را سرنگون کنند. اطلاعات FBI نشان می‌دهد این افراد ویلای ویتمر را زیر نظر داشتند و در یک گفت‌وگوی تلفنی که در ماه ژوئن داشته‌اند، در مورد حمله به مقر دولت در شهر لیسینگ، مرکز ایالت میشیگان و به گروگان گرفتن کسانی مثل ویتمر صحبت کرده بودند تا به اتهام «خیانت» محاکمه شوند. ویتمر ضمن قدردانی از دادستانی ایالت و مأموران FBI، ابراز امیدواری کرده این امرحان مردمی و شرسور» محاکمه شده و به سزای اعمال خود برسند با این حال،

■کنکاش

■سجاد آذری

این روزها در شرایطی شاهد بحث‌های چالشی در خصوص «افول ایالات متحده» هستیم که شاید این موضوع را بتوان یکی از پذیرفته‌شده‌ترین مفاهیم نه تنها در میان اندیشمندان امریکایی بلکه حتی مردم عادی امریکا دانست. به نظر می‌رسد موضوعی که موجب این میزان ابهام در خصوص واقعیت امروز ایالات متحده شده ناآگاهی از شرایط فعلی جامعه امریکایی است. یکی از موضوعات که به خوبی می‌تواند واقعیت روبه افول را نمایان کند نژادپرستی نهادینه شده در ساختار ایالات متحده است که البته نتایج آن در اتفاقات بعد از قتل جورج فلوید به‌دست پلیس امریکا و همچنین جنیتش «جان سیاهان مهم است» قابل مشاهده بود. با این حال، این مسئله خود معرف چالشی مهم‌تر در نظام حقوقی و به خصوص قضایی ایالات متحده است که طی دهه‌های گذشته و با وجود شرایط بسیار ایالات متحده در مبارزه با نژادپرستی و تلاش برای سرودمداری مبارزه با این پدیده زشت در جهان، حتی در خود امریکا نیز حل نشده است. بر اساس بررسی‌های سال ۲۰۲۰ مرکز تحقیقات پپو، امریکایی‌های آفریقایی‌تبار در حالی که فقط ۱۲ درصد از جمعیت ایالات متحده را شامل می‌شوند، ۳۲ درصد از جمعیت زندان‌های این کشور را تشکیل می‌دهند. همچنین جمعیت ۲۳ درصدی اسپانیایی‌زبان‌ها در زندان‌های امریکا در حالی است که فقط ۱۶ درصد از جمعیت ایالات متحده را شامل می‌شوند و در این میان سفیدپوستان امریکایی که ۶۴ درصد جمعیت ایالات متحده را تشکیل می‌دهند فقط ۳۰ درصد از جمعیت زندان‌های این کشور را شامل می‌شوند. هرچند کارشناسان امریکایی معتقدند با وجود ۵۰ایالتی

به نظر نمی‌رسد مسئله محدود به همین چند نفر معدود باشد، زیرا FBI از اوایل سال ۲۰۲۰ از طریق شبکه‌های مجازی متوجه گروهی شده که در برخی از ایالت‌های امریکا در مورد «هسرنگونی خشونت‌آمیز» با یکدیگر گفت‌وگو می‌کردند و دو نفر از اعضای بازداشتی در میشیگان هم جزو همین افراد بوده‌اند. پس، باید گفت گروه‌های خشونت‌طلب مسلح در امریکا مسئله‌ای منحصر به ایالت میشیگان نیست بلکه معضل فدرال امریکاست و باید این احتمال را داد که گروه‌های مسلح بسیاری هم باشند که در دیگر ایالت‌ها برنامه‌ای مشابه این گروه را دنبال می‌کنند و هنوز به چنگ FBI نیفتاده‌اند.

■انبار آماده انفجار

واقعیت امر این است که میزان بالای اسلحه در دست مردم امریکا معضل اساسی است که همیشه محل بحث و مناقشه بوده است. متمم دوم قانون اساسی امریکا مجوزی برای وجود اسلحه در دست مردم این کشور است و شاید زمانی این متمم باعث تضمین آزادی‌های فردی در مقابل استبداد حکومت مرکزی می‌شد اما امروزه فقط بالای جان مردم امریکا شده است. آمارهای منتشرشده از سوی تارنمای یورونیوز در آگوست ۲۰۱۹ نشان می‌داد که به‌ازای هر ۱۰۰ نفر امریکایی، ۱۲۰ اسلحه در دست مردم این کشور است و به‌معنای دیگر، میزان اسلحه در دست مردم امریکاییتر از تعداد جمعیت آن است. این آمار مربوط بود به قبل از شیوع ویروس کرونا، مشاجرات سیاسی در سال انتخابات و بروز اعتراضات ضدنژادپرستی طی سال جاری و آمارهای جدید نشان می‌دهد که هجوم مردم امریکایی‌را خرید سلاح بسیار بیشتر از قبل شده است. روزنامه گاردین اوایل ماه آگوست گزارشی را بر مبنای آمارهای مؤسسه پیو منتشر کرد. بنابر این گزارش، فروش اسلحه طی ۱۲ روز بعد از اعلام وضعیت اضطرار ملی از سوی رئیس‌جمهور امریکا دونالد ترامپ، جهش ۱۲۰ هزار عددی در روز داشته و در ۱۶ مارس به رکورد ۱۷۶ هزار قبضه رسیده است. گاردین به نقل از تحلیلگران می‌گوید که برآورد می‌شود فروش اسلحه از ماه مارس در امریکا به میزان ۳میلیون قبضه رسیده باشد و این میزان از افزایش خرید حتی باعث شده تا بر تولیدکنندگان اسلحه در امریکا هم فشار وارد شود.

نکته مهم در مورد این حجم بالا از افزایش خرید اسلحه این است که هم خریداران و هم انگیزه‌های آنها با گذشته تفاوت اساسی کرده است. اگر قشر سفیدپوست شهرنشین تا پیش از این خریداران عمده اسلحه بودند، حالا به نظر می‌رسد که خرید اسلحه در میان رنگین‌پوستان و به خصوص سیاه‌پوستان و حاشیه‌نشین‌های شهرهای بزرگ افزایش چشمگیری یافته و حتی گاردین از انجمنی به نام «سلاح‌های سیاه‌پوستان مهم است» نام برده که مدافع برنام‌های مشابه این گروه را دنبال می‌کنند و هنوز به چنگ FBI نیفتاده‌اند.

واقعیت امر این است که میزان بالای اسلحه در دست مردم امریکا معضل اساسی است که همیشه محل بحث و مناقشه بوده است. متمم دوم قانون اساسی امریکا مجوزی برای وجود اسلحه در دست مردم این کشور است و شاید زمانی این متمم باعث تضمین آزادی‌های فردی در مقابل استبداد حکومت مرکزی می‌شد اما امروزه فقط بالای جان مردم امریکا شده است. آمارهای منتشرشده از سوی تارنمای یورونیوز در آگوست ۲۰۱۹ نشان می‌داد که به‌ازای هر ۱۰۰ نفر امریکایی، ۱۲۰ اسلحه در دست مردم این کشور است و به‌معنای دیگر، میزان اسلحه در دست مردم امریکاییتر از تعداد جمعیت آن است. این آمار مربوط بود به قبل از شیوع ویروس کرونا، مشاجرات سیاسی در سال انتخابات و بروز اعتراضات ضدنژادپرستی طی سال جاری و آمارهای جدید نشان می‌دهد که هجوم مردم امریکایی‌را خرید سلاح بسیار بیشتر از قبل شده است. روزنامه گاردین اوایل ماه آگوست گزارشی را بر مبنای آمارهای مؤسسه پیو منتشر کرد. بنابر این گزارش، فروش اسلحه طی ۱۲ روز بعد از اعلام وضعیت اضطرار ملی از سوی رئیس‌جمهور امریکا دونالد ترامپ، جهش ۱۲۰ هزار عددی در روز داشته و در ۱۶ مارس به رکورد ۱۷۶ هزار قبضه رسیده است. گاردین به نقل از تحلیلگران می‌گوید که برآورد می‌شود فروش اسلحه از ماه مارس در امریکا به میزان ۳میلیون قبضه رسیده باشد و این میزان از افزایش خرید حتی باعث شده تا بر تولیدکنندگان اسلحه در امریکا هم فشار وارد شود.



آمارهای منتشرشده از سوی تارنمای یورونیوز در آگوست ۲۰۱۹ نشان می‌داد که به ازای هر ۱۰۰ نفر امریکایی، ۱۲۰ اسلحه در دست مردم این کشور است و به معنای دیگر، میزان اسلحه در دست مردم امریکا بیشتر از تعداد جمعیت آن است. این آمار مربوط بود به قبل از شیوع ویروس کرونا، آمارهای جدید نشان می‌دهد که هجوم مردم امریکا برای خرید سلاح بسیار بیشتر از قبل شده است.

که مشاجرات این دو در منظره نخست به نظر بسیاری از تحلیلگران باعث رسوایی امریکا شده بود و در منظره سوم هم با قطع میکروفون‌ها رامش بین این دو حفظ شد. این دو عامل، به خصوص عامل دوم باعث شده خریداران اسلحه به دلیل منازعات سیاسی و عدم امنیت انگیزه‌ای برای خرید اسلحه داشته باشند و منازعات سیاسی مبدل به عاملی برای خریدسلاح بشود. نتیجه‌طبیعی چنین جریانی شکل‌گیری گروه‌های خشن مسلحی است که نمونه آن در میشیگان دیده شد و از این نمونه می‌توان در یافت که جاه‌طلبی و خشونت این گروه‌ها تنها محدود به چند درگیری کوتاه خیابانی نمی‌شود بلکه اهداف بلندپروازانه‌ای از به راه انداختن «جنگ داخلی» دارند.

■نقش ارتش

حال مسئله اصلی در نقش ارتش امریکا نسبت به این تحولات و حتی بروز خشونت‌هاست. ژنرال مارک میلی رئیس ستاد مشترک ارتش امریکا اواخر آگوست در پاسخ به پرسش دو تن از سناتورها نام‌های به مجلس سنا فرستاد و در آن نامه مدعی شد: «در صورت اختلاف درباره برخی جنبه‌های انتخابات، طبق قانون، دادگاه‌های امریکا و کنگره موظف به حل‌وفصل هر گونه اختلاف هستند. من هیچ نقشی را برآی نیروهای مسلح امریکا در این روند پیش‌بینی نمی‌کنم.» این حرف بالاترین مقام نظامی امریکا می‌تواند قوت قلبی به سیاستمداران نگران باشد و به آنان اطمینان بدهد که ارتش در هر صورت مداخله نخواهد کرد اما این تمام ماجرا نیست. قانون مصوب ۱۸۰۷ به نام «قانون شورش، Insurrection Act» به دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور امریکا اجازه می‌دهد ارتش را به ایالت‌هایی اعزام کند که قادر به سرکوب شورش نیستند یا از قانون فدرال سرپیچی می‌کنند. این اقدام می‌تواند به درخواست یا حتی بدون درخواست فرمانداران آن ایالت‌ها باشد چنان که رؤسای جمهور امریکا در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۶۰ ارتش را برای سرکوب اعتراضات و بدون رضایت فرمانداران به ایالت‌های جنوبی فرستاده بودند. حالا هم این احتمال وجود دارد که ترامپ با استفاده از اختیاراتش و استناد به این قانون فرمان اعزام نیروهای ارتش را به خیابان‌ها صادر کند. نکته مهم و خطرناک حرفی است که او در نخستین مناظره‌اش زد. او در این مناظره و بر خلاف جو بایدن نه تنها حاضر به پذیرش نتیجه انتخابات نشد بلکه در مورد یکی از گروه‌های مسلح راست‌گرای افراطی به نام براد بویز، Proud Boys (پسرنان‌خیزان)، پیام داد: «کار بایستند، آماده باشید، Stand back and stand by» این پیام از سوی پراد بویز به مثابه مهر تأییدی بر اعمال‌شان تلقی شد و بعد هم ترامپ حاضر نشد تا منظور خود را شفاف بگوید. پیماش گمانه‌زنی‌هایی را در میان تحلیلگران مطرح کرد در این خصوص که او از براد بویز و گروه‌های شبیه آن خواسته گروه‌های مسلح افراطی و ایجاد شورش در اعتراض به نتیجه انتخابات این امکان را به ترامپ می‌دهد تا از ارتش برای اجرای قانون شورش استفاده کند و البته افرادی مثل مارک میلی چارای جز تبئیت از فرمان ترامپ به عنوان فرمانده کل قوا یا استعفا از مقام خود ندارند. همچنان که دیوید کیل کولن به عنوان یکی از برجسته‌ترین کارشناسان جهان در زمینه شورش گفته؛ «هریکار در وضعیت قبل از شورش است.» نظرسنجی اخیر روتنر-لپیسوس نشان می‌دهد نزدیک به یک‌سوم امریکایی‌ها حاضر به پذیرش نتیجه انتخابات نیستند و دونالد گرین، استاد علوم سیاسی دانشگاه کلمبیا، گفته این نظرسنجی تأییدی بر نگرانی‌های واردبره خشونت پس از انتخابات است. به عبارت دیگر، این نظرسنجی تأییدی بر عقیده کولن و وضعیت قبل از شورش است و نگرانی‌ها از پیامدهای خشونت‌نا بعد انتخابات همچنان به قوت خود باقی است.

نژادپرستی نهادینه در ساختار حقوقی-قضایی امریکا



که هر یک درباره جرائم به شکل متفاوتی رفتار می‌کنند، قانونگذاران ملی و محلی که بر سر قوانین جدید دعو می‌کنند و متعصبین کینه‌توز عجیبی که امور را به‌دست گرفته‌اند، بسیار بعد است دو نفر که به جرم یکسانی محکوم شده‌اند مجازات یکسانی داشته باشند اما مسئله این است که اگر بین این دو نفر یکی رنگین‌پوست باشد به احتمال زیاد اوست که باید مجازات سنگین‌تری را تحمل کند.

در امریکا، افراد رنگین‌پوست با نرخ‌های بالاتری نسبت به سفیدپوستان در زندان‌های ایالتی و فدرال زندانی می‌شوند، آفریقایی‌تبارها بیش از پنج برابر نسبت به سفیدپوستان در زندان به سر می‌برند و در پنج ایالت آیووا، مینه‌سوتا، نیوجرسی، ورمونت و ویسکانسین با جوامع غالب سفیدپوست، نسبت سیاه‌پوستان به ۱۰ برابر افزایش یافته است.

در امریکا، افراد رنگین‌پوست با نرخ‌های بالاتری نسبت به سفیدپوستان در زندان‌های ایالتی و فدرال زندانی می‌شوند، آفریقایی‌تبارها بیش از پنج برابر نسبت به سفیدپوستان در زندان به سر می‌برند و در پنج ایالت آیووا، مینه‌سوتا، نیوجرسی، ورمونت و ویسکانسین با جوامع غالب سفیدپوست، نسبت سیاه‌پوستان به ۱۰ برابر افزایش یافته است.

تحلیل



مسیر ناهموار خارطوم در بازی عادی‌سازی روابط با تل آویو

عصیان عقیم سودان مقابل سه «نه» ۱۹۶۷

■محمود حکیمی

هنگامی که مایک پمپئو وزیر خارجه امریکا در ۲۵ آگوست طی سفر دورای خود به منطقه خاورمیانه از اسرائیل به سمت سودان در پرواز بود، این پیام را در توئیتر منتشر کرد: «خوشحالم که اعلام کنم ما در اولین پرواز مستقیم از اسرائیل به سودان هستیم.» او نقشه‌ای راضمیمه این پیام کرد که خط مسیر هوایی بین اسرائیل و سودان را نشان می‌داد تا این تصور را در مخاطبان خود ایجاد کند که از تباطو هوایی و حتی روابط دیپلماتیک بین رژیم صهیونیستی و سودان برقرار شده است. روشن است پمپئو به شدت بزرگ‌نمایی کرده بود اما این پیام او مقدمه‌ای برای سفرش به سودان بود تا سودان را مجبور به آوردن به جمع امارات متحده عربی و بحرین کند. حالا رئیس‌جمهور امریکا دونالد ترامپ خبر از توافق رژیم اسرائیل و سودان برای گام برداشتن به سمت عادی‌سازی روابط داده و می‌گوید: «هربران هر دو کشور پذیرفته‌اند تا روابط‌شان را عادی کنند و به وضعیت جنگی خاتمه دهند.» آیا مسیر عادی‌سازی روابط بین سودان و رژیم اسرائیل به همین صورت که ترامپ می‌گوید راحت و ساده است؟

■دیدار مخفیانه

در واقع، سفر پمپئو به خارطوم و پیام تبلیغاتی توئیتری او نخستین گام برای در پیش گرفتن مسیر عادی‌سازی روابط بین تل آویو و خارطوم نبود بلکه نخستین گام از سوی بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و رئیس شورای موقتی حاکمیتی سودان عبدالفتاح البرهان برداشته شد که اوایل فوریه در کشوری ثالث انجام شد. البرهان برای دیدار با همتای اوگاندایی خود به بحث در مورد مسائل مشترک منطقه‌ای، به این کشور رفته بود اما طولی نکشید که حساب رسمی دفتر نتانیاهو در توئیتر خبر دیدار نتانیاهو با البرهان در اوگاندا را منتشر کرد با تأکید بر این نکته که دو طرف برای همکاری در راستای «عادی‌سازی روابط و موقعیت تاریخی به عنوان دشمنان خیر» در نهایت از سوی دفتر نتانیاهو موجی از انتقادها را از سوی هر دو طرف به راه انداخت. موشه یلعون وزیر دفاع پیشین رژیم صهیونیستی، از رهبران مخالف نتانیاهو است که در واکنش به انتشار این خبر، نتانیاهو را متهم به بهره‌برداری سیاسی کرد و گفت: «منافع امنیتی رژیم اسرائیل با مخفی نگه داشتن این دیدار حفظ می‌شد و نه اینکه برای کسب اهداف سیاسی کوتاه‌مدت در داخل علنی شود.» در دسبر البرهان بسیار بیشتر از نتانیاهو بود. سه نشست در خارطوم درست بعد از انتشار این خبر، در سطح نشست شورای وزیران، نشست شورای امنیت و دفاع و نشست شورای ملاقات ابتکار شخصی البرهان بوده و دولت به صدور بیانیه‌ای تأکید بر این موضوع داشت که «ژنرال برهان برای اختیاراتش عمل کرده است» و به همه اطمینان خاطر داد که موضع کشور در قبل رژیم اسرائیل تغییر نکرده است. به این ترتیب، دولت خارطوم سعی کرد پس از هزاهای بعد ان دیدار را کنترل کند اما معلوم بود که ماجرا هنوز تمام نشده است.

■معامله امریکایی

سفره آگوست پمپئو به سودان نخستین سفر رسمی یک مقام ارشد امریکایی به این کشور بود و روشن بود که پمپئو می‌خواهد با انجام معامله‌ای، شکست البرهان را جبران کرده و دیگر مقامات خارطوم را متقاعد به عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل کند. فهرست کشورهای حامی تروریسم محور اصلی معامله امریکایی با خارطوم است. گفته می‌شود اسامه بن لادن طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ در سودان بوده و امریکانیز به همین دلیل سودان را از سال ۱۹۹۲ در فهرست کشورهای حامی تروریسم قرار داده و این موضوع باعث شده خارطوم نتواند از مزایای اقتصاد بین‌المللی برخوردار شود و به صندوق‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری و دریافت وام و دیگر کمک‌های مالی دسترسی نداشته باشد. خارطوم به دنبال حذف نام سودان از این فهرست است اما روشن است که واشنگتن از این موضوع به عنوان اهرم فشار خود استفاده می‌کند و به قول روزنامه‌نگار کهنه‌کار سودانی عبدالرحمان علامین: «در اینکه این مسئله یک شانتاژ است حرفی نیست. ایالات متحده به روشنی می‌گوید اگر می‌خواهید از لیست (کشورهای حامی تروریسم) برداشته شوید روابط‌تان را با اسرائیل عادی کنید.» به نظر می‌رسد ترامپ و دستگاه دیپلماتی او در این معامله با طرف سودانی به نتایجی رسیده است. ترامپ ۱۱ روز قبل اعلام کرد سودان قبول کرده به قربانیان حملات تروریستی مبلغ ۲۲۵ میلیون دلار بپردازد و این تصمیم سودان «گامی بزرگ» است و باعث می‌شود نام این کشور از لیست کشورهای حامی تروریسم حذف شود. هر چند ترامپ در آن موقع حرفی از عادی‌سازی روابط با تل آویو به عنوان بخشی از این «گام بزرگ» مطرح نکرد اما خبر اخیر او مبنی بر توافق رژیم اسرائیل و سودان برای گام برداشتن به سمت عادی‌سازی حمایت از این دارد که چنین پیش‌شرطی وجود داشته و خارطوم در ازای قبول

عادی‌سازی روابط است که توانسته نام کشورش را از آن فهرست حذف کند. به این ترتیب، روندی که با ملاقات مخفیانه البرهان در فوریه شروع شد با معامله امریکایی پی‌گیری شده و دست‌کم نتیجه آن توافق اولیه برای عادی‌سازی بوده است اما وضعیت در خارطوم پیچیده‌تر از آن است که به نظر می‌رسد و صدای مخالفت با این روند و موافقت‌های مخفیانه و پشت پرده از احزاب و جریان‌های سیاسی مختلف به گوش می‌رسد.

■به توفیق

خارطوم بعد از جنگ ۱۹۶۷، در سپتامبر همین سال میزبان نشست کشورهای عضو اتحادیه عرب بود. قطعنامه‌ای در این نشست به تصویب رسید که مشهور شد به قطعنامه «سدر بار» نه زیاد این قطعنامه تأکید بر سه نه شده بود، نه به صلح با رژیم اسرائیل، نه به شناسایی رژیم اسرائیل و نه به مذاکره با رژیم اسرائیل. از این جهت، خارطوم در تاریخ معاصر جهان عرب به موقعیت تاریخی به عنوان دشمنان خیر» در نهایت از سوی دفتر نتانیاهو موجی از انتقادها را از سوی هر دو طرف به راه انداخت. موشه یلعون وزیر دفاع پیشین رژیم صهیونیستی، از رهبران مخالف نتانیاهو است که در واکنش به انتشار این خبر، نتانیاهو را متهم به بهره‌برداری سیاسی کرد و گفت: «منافع امنیتی رژیم اسرائیل با مخفی نگه داشتن این دیدار حفظ می‌شد و نه اینکه برای کسب اهداف سیاسی کوتاه‌مدت در داخل علنی شود.» در دسبر البرهان بسیار بیشتر از نتانیاهو بود. سه نشست در خارطوم درست بعد از انتشار این خبر، در سطح نشست شورای وزیران، نشست شورای امنیت و دفاع و نشست شورای ملاقات ابتکار شخصی البرهان بوده و دولت به صدور بیانیه‌ای تأکید بر این موضوع داشت که «ژنرال برهان برای اختیاراتش عمل کرده است» و به همه اطمینان خاطر داد که موضع کشور در قبل رژیم اسرائیل تغییر نکرده است. به این ترتیب، دولت خارطوم سعی کرد پس از هزاهای بعد ان دیدار را کنترل کند اما معلوم بود که ماجرا هنوز تمام نشده است.

سفره آگوست پمپئو به سودان نخستین سفر رسمی یک مقام ارشد امریکایی به این کشور بود و روشن بود که پمپئو می‌خواهد با انجام معامله‌ای، شکست البرهان را جبران کرده و دیگر مقامات خارطوم را متقاعد به عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل کند. فهرست کشورهای حامی تروریسم محور اصلی معامله امریکایی با خارطوم است. گفته می‌شود اسامه بن لادن طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ در سودان بوده و امریکانیز به همین دلیل سودان را از سال ۱۹۹۲ در فهرست کشورهای حامی تروریسم قرار داده و این موضوع باعث شده خارطوم نتواند از مزایای اقتصاد بین‌المللی برخوردار شود و به صندوق‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری و دریافت وام و دیگر کمک‌های مالی دسترسی نداشته باشد. خارطوم به دنبال حذف نام سودان از این فهرست است اما روشن است که واشنگتن از این موضوع به عنوان اهرم فشار خود استفاده می‌کند و به قول روزنامه‌نگار کهنه‌کار سودانی عبدالرحمان علامین: «در اینکه این مسئله یک شانتاژ است حرفی نیست. ایالات متحده به روشنی می‌گوید اگر می‌خواهید از لیست (کشورهای حامی تروریسم) برداشته شوید روابط‌تان را با اسرائیل عادی کنید.» به نظر می‌رسد ترامپ و دستگاه دیپلماتی او در این معامله با طرف سودانی به نتایجی رسیده است. ترامپ ۱۱ روز قبل اعلام کرد سودان قبول کرده به قربانیان حملات تروریستی مبلغ ۲۲۵ میلیون دلار بپردازد و این تصمیم سودان «گامی بزرگ» است و باعث می‌شود نام این کشور از لیست کشورهای حامی تروریسم حذف شود. هر چند ترامپ در آن موقع حرفی از عادی‌سازی روابط با تل آویو به عنوان بخشی از این «گام بزرگ» مطرح نکرد اما خبر اخیر او مبنی بر توافق رژیم اسرائیل و سودان برای گام برداشتن به سمت عادی‌سازی حمایت از این دارد که چنین پیش‌شرطی وجود داشته و خارطوم در ازای قبول